

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت»
(شور اول - کلیات)

مقدمه

شماره ثبت:

۱۵۰

شماره چاپ:

۱۶۹

تاریخ چاپ:

۱۳۸۷/۴/۲۵

یکی از نکاتی که مرکز پژوهش‌های مجلس و بسیاری دیگر از کارشناسان حوزه مسائل مالی در سالیان گذشته به عنوان نقدی جدی در حوزه بودجه و بودجه‌ریزی مطرح می‌ساختند؛ وجود تبصره‌های متعدد، متنوع و پراکنده در ماده واحده بودجه‌های سنواتی بود که بعضاً از احکامی غیربودجه‌ای برخوردار بوده و به صورت احکام قانونی دائمی هر ساله بخشی از تبصره‌های بودجه را به خود اختصاص می‌داد. راهکاری که برای حل این مشکل در نظر گرفته شد، حذف این احکام از تبصره‌های بودجه و انتقال مستقیم آنها به قانونی دائمی با عنوان تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است. این راهکار ساده و بدون دردسر بسیار مورد توجه دولت‌های مختلف در سال‌های قبل قرار گرفت و هرگاه دولت‌ها در پیشبرد احکام قانونی در قوانین مختلف به بن‌بست رسیدند و جایی در قوانین جاری برای آن احکام نیافتند، لایحه جدیدی به عنوان الحاق موادی به قانون تنظیم ارائه دادند.

استمرار این روند موجب شد که استفاده از این شیوه در مجلس نیز مورد توجه قرار گرفته و نمایندگان محترم مجلس برای رفع خلأهای قانونی در برخی حوزه‌های تخصصی نیز از الحاق موادی به این قانون استفاده کنند.

۱. اهداف طرح قانونی

نمایندگان محترم مجلس با توجه به خلأ قانونی و اهمیت پرداختن به موضوع قاچاق طرحی را به مجلس ارائه دادند که از اهداف زیر برخوردار است:

۱. رفع خلأ قانونی به وجود آمده در زمینه قاچاق ناشی از حذف تبصره‌های مربوط از قوانین بودجه سنواتی.
۲. انتقال مواد قانونی مربوط به سیاست‌های مالی و تجاری به قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.
۳. جلوگیری از رشد و توسعه قاچاق و فعالیت بیش از پیش متخلفان عرصه تجارت قانونی.

۲. موضوع طرح

موضوع اصلی طرح الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که با شماره ثبت ۱۵۰ در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ توسط مجلس اعلام وصول شده است «قاچاق» است. در این طرح به مواردی مانند تشدید جرائم مربوط به جرم قاچاق به تفکیک کالاهای مختلف و چگونگی تفکیک کالاها، تعیین قیمت کالاهای یارانه‌ای، دستگاه شاک و تصویب آیین‌نامه‌های مربوطه اشاره می‌شود.

شماره مسلسل:

۲۲۰۹۱۸۸-۱

۳. نگاهی به قانون تنظیم

تاریخ انتشار:

۱۳۸۷/۶/۱۷

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مشتمل بر ۱۱۴ ماده در ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۸ توسط شورای نگهبان تأیید شد. در ماده (۱۱۴) این قانون تأکید شده بود

که به مدت چهار سال از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ به صورت آزمایشی اجرا شود. بنابراین، با قید زمانی همراه بود و مدت اعتبار آن می‌باید در ابتدای سال ۱۳۸۵ به پایان می‌رسید. هرچند براساس ماده (۱۵۶) قانون برنامه چهارم توسعه تا پایان دوره برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) تمدید شد و با توجه به این حکم تا پایان سال ۱۳۸۸ از وجاهت قانونی برخوردار است با این حال، با توجه به قید زمانی، قانونی موقت برای رفع پاره‌ای از خلأها در کوتاه‌مدت محسوب می‌شود.

در تاریخ ۱۳۸۴/۸/۱۵ نیز مجلس شورای اسلامی متنی را تصویب کرد که مطابق آن ۶۹ ماده به قانون مذکور اضافه شده و آن را قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نامید.

در ماهیت کلی این قانون می‌توان به این نکته اشاره داشت که با توجه به آزمایشی بودن و محدودیت زمانی آن، افزودن مواد الحاقی جدید به منظور رفع خلأهای قانون دائمی جای ابهام دارد. در این زمینه توجه به اهداف قانون‌گذار در تعیین این قید و تصویب موقت این قانون نیز قابل تأمل است.

علی‌رغم نکته فوق اصلی‌ترین مشکلی که به چشم می‌خورد تعدد و تنوع احکام قانونی مربوطه است. محتوای این قانون از وجوه مختلف و متعددی برخوردار است و هر حکم قانونی که محملی مشخص برای آن یافت نشده به آن الحاق شده است.

۴. قاچاق کالا و ارز در قوانین بودجه سنواتی

قاچاق کالا یکی از موضوعاتی است که از سال ۱۳۸۳ به بندهای ذیل ماده واحده قوانین بودجه سنواتی افزوده شد. این موضوع در بند «ر» تبصره «۱۹» قانون بودجه سال ۱۳۸۳، بند «پ» تبصره «۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۴، بند «ب» تبصره «۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۵ و بند «ه» تبصره «۷» قانون بودجه سال ۱۳۸۶ مورد توجه قرار گرفت. با محدود شدن حجم احکام قانون در بودجه، در سال ۱۳۸۷ این موضوع حذف شد که به اعتقاد برخی کارشناسان با خلأ قانونی مواجه شده است.

جمع‌بندی

۱. از آنجاکه احکام مرتبط با قاچاق کالا در حال حاضر در قوانین مختلف به صورت پراکنده وجود دارد، تصویب طرح حاضر موجب افزایش پراکندگی و سردرگمی کارشناسان و مخاطبان قانون می‌گردد. زیرا نمی‌توانند به راحتی دریابند که برای رسیدن به حکم به کدام قانون مراجعه نمایند.
۲. بسیاری از احکام این طرح ربطی به مقررات مالی دولت ندارد و از حیث موضوعی نمی‌تواند تحت قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت قرار گیرد.
۳. موضوع جرائم قاچاق عمدتاً به قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مربوط می‌شود که منطقی‌تر آن است تا مباحث مربوط به قاچاق در ذیل این قانون مطرح گردد. هر چند به دلیل تصویب قانون مذکور توسط مجمع تشخیص مصلحت، پیشنهاد و تصویب آن به صورت دیگری خواهد بود.
۴. راه‌حل دیگر برای رفع مشکلات موجود در زمینه قاچاق آن است که موضوع مربوطه به دلیل فراگیر بودن آن به شکل طرح یا لایحه‌ای جامع در خصوص موضوع قاچاق تهیه و پیشنهاد شود.
۵. مواد مطرح شده در طرح به صورت غیرمنسجم و فاقد سازمان‌دهی مناسب است و از نظر حقوقی دارای معایب متعدد است.